

You Can't Find a Book in
English School

نمی توانی
پیدا کنی
را به مدرسه
عقاب ها
بفرستی

www.ketab.ir

You Can't Send a Duck to Eagle School...

Anderson, Mac

اندرسن، مک

نمی‌توانی اردکی را به مدرسه عقاب‌ها بفرستی، مجموعه‌ای از حقایق ساده در مورد رهبری موفق / مک اندرسون ترجمه‌ی فرخ یافته تهران: پندار تابان، ۱۳۹۵.

ISBN: 978-600-593-110-0

شابک:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: You Can't Send a Duck to Eagle School

موضوع: رهبری، رهبری — لطایف و حکایات، رهبری — کاستور

یافته، فرخ، ۱۳۵۷ — مترجم

الفبا: ۵۷/۷ / ۸ HD

۳۵۵۶۱۴۰

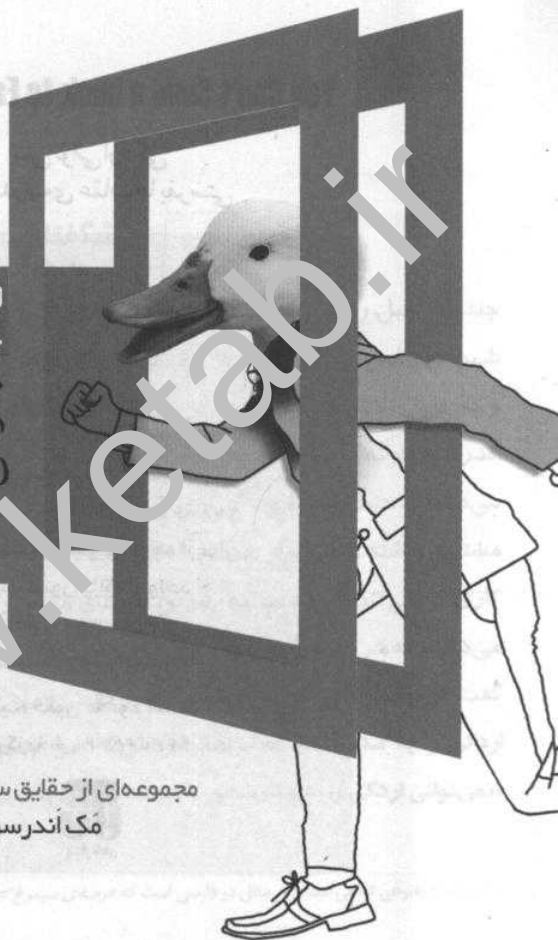
شماره کتابشناسی ملی:



You Can't Send a Duck to
Eagle School...

نمی توانی
اردکی
رایه ملر سهی
عقاب ها
بفرستی

مجموعه‌ای از حقایق ساده در مورد رهبری موفق
مک اندرسون / فرخ بافنده



You Can't Send a Duck to Eagle School...

نمی توانی اردکی
را به مدرسه ی عقاب ها بفرستی

مک اندرسون

فرخ بافنده

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶-۰-۰

خیابان دیبا، جنوبی، کوچه ارغوان

بن بست نر، پلاک ۲ واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۸۵۶۰۰۰۰

farah.bafande@gmail.com

کلیه حقوق محفوظ است

مرکز پخش: ۰۲۱-۴۵۳۲۰۶۴۰



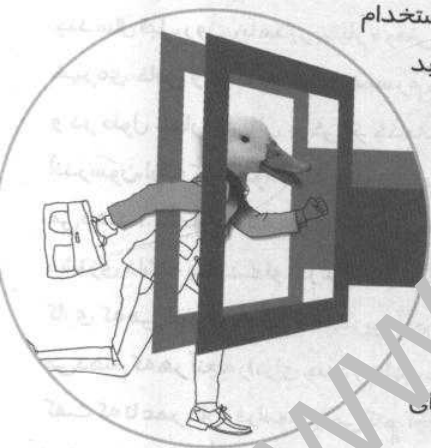
پندارتان

پیشگفتار

چند سال قبل، روی بام یک بسیار موفقی از شرکتی ناهار خوردم که خدمات افسانه‌ای‌شان شهره‌ی خاص و عام بود. و، مسرم هر دو از طرفداران دوازشه‌ی این شرکت هستیم و در طول ناهار، داستان یکی از خدمات فوق‌العاده‌ای را که کارکنانش به ما، خانواده‌ی آندرسون، ارائه کرده بودند تعریف کریم. من گفتم: «باتوجه به خدماتی که کارکنانتان ارائه می‌دهند... حتماً باید کتابچه‌ای آموزش خدمت‌رسانی به مشتریان در زمینه‌ی فروش و خدمات به مشتری داشته باشید.» او سرش را بلند کرد و گفت: «مک، ما کتابچه‌ی آموزشی نداریم؛ کاری که می‌کنیم این است که بهترین آدم‌های ممکن را پیدا می‌کنیم و به آن‌ها این اختیار را می‌دهیم که هر آنچه را برای جلب رضایت مشتری لازم است انجام دهند.» بعد چیزی به من گفت که تا عمر دارم فراموش نمی‌کنم. او گفت: «ما مدت‌هاست فهمیده‌ایم که نمی‌توانی اردکی را به مدرسه‌ی عقاب‌ها بفرستی.»^۱ من گفتم: «بیخسید؟ بی؟» تکرار کرد... «نمی‌توانی اردکی را به مدرسه‌ی عقاب‌ها بفرستی» و در ادامه اضافه کرد: «ما نمی‌توانیم

۱. این جمله به‌نوعی تداعی‌کننده این مثال در فارسی است که عرصه‌ی سیم‌رغ جولا نگاه مگس نیست - م.

به کسی یاد بدهیم لبخند بزند، نمی‌توانیم به کسی یاد بدهیم شور و شوق خدمت‌رسانی داشته باشد، نمی‌توانیم فروشنده بودن را به کسی یاد بدهیم، ولی کاری که می‌توانیم بکنیم این است که آدم‌هایی را استخدام کنیم که این ویژگی‌ها را دارند. بعدش، می‌توانیم در مورد مسئولانمان به آن‌ها تعلیم دهیم و فرهنگ و خط مشی شرکت‌مان را به آن‌ها بیاموزیم.»



تا عمر دارم هرگز این، قیاس ساده را در مورد استخدام افراد فراموش نخواهم کرد. این آموزه، تا ابد آویزه‌ی گوشم شده است. در آن روز به بعد، موقع هر تصمیم‌گیری در مورد استخدام، از خودم این سؤال را می‌پرسم: «آیا دارم اردکی را استخدام می‌کنم به خیال آن که روزی عقاب خواهد شد؟» باید اعتراف کنم که پرسیدن همین سؤال ساده، مرا از چندین اشتباه بزرگ استخدامی نجات داده است. فقط ای کاش بیست سال پیش آن را شنیده بودم!

درس «فرستادن اردک به مدرسه‌ی عقاب‌ها» یکی از صدها «تجربه ساده‌ی» رهبری است که در مسیر حرفه‌ای‌ام به عنوان کارآفرین یاد گرفته‌ام. در بررسی سال گذشته،

این اقبال بلند را داشته‌ام که با سه شرکت نوپای موفق کار کنم، شرکت‌هایی که هر کدام به مرور زمان، گوی سبقت را در حوزه‌ی خود از رقیبانشان ربوده‌اند. در طول این مسیر، فراز و خروهای بسیاری داشته‌ام و «تجربه‌های ارزشمندی» را به دست آورده‌ام. همچنین این اقبال بسیار بلند را داشته‌ام که با آدم‌های زیادی آشنا شوم که به‌مراتب از من باهوش‌ترند. کارکنان، نویسندگان، سخنرانان، معلمان، مربیان و مدیران موفق شرکت‌های بزرگ همگی به شکل‌گیری نگاه و اندیشه‌ی من کمک کرده‌اند. خرد و دانش آن‌ها آمیخته با تجربه‌های خودم، زندگی، از من آنچه را ساخته که امروز هستم.

هدف من از نوشتن این کتاب کوچک، بیان گذاشتن برخی از «تجربه‌هایم» به شکلی مختصر، اما به شیوه‌ای جذاب و براساس: چاکه خبلی اوقات، آنچه می‌گویی نیست که کلید خاموش ذهن را روشن می‌کند. تجربه گفتن آن است. در نظر من، یکی از مهیج‌ترین جنبه‌های زندگی و کار، این است که یک ایده‌ی زرگ می‌تواند زندگی‌مان را برای همیشه دگرگون کند.

رزوی بهترین‌ها!



مک زکریا